

قدم‌های عاشقی

معرفی چند کتاب برای داشتن یک حس خوب اربعینی در این روزها

شادفر

اگر جزو آن دسته از عاشقان امام حسین^(ع) هستید که امسال هم فرصت پیاده‌روی در این مسیر برایتان محقق نشده است، چند پیشنهاد خواندنی و حال خوب کن برای شما داریم؛ کتاب‌هایی که دستتان را می‌گیرند و با پیادگان اربعین همرا هتان می‌کنند.

● پادشاهان پیاده

در کتاب «پادشاهان پیاده» همه ملیت‌ها و اقشار را می‌توان دید؛ ایرانی، عراقی، اروپایی، مسلمان، غیرمسلمان، شیعه، سنی، پلیس، نویسنده، پزشک، مجری، روزنامه‌نگار، عکاس و... این کتاب داستان دل‌دادگی آدم‌ها به اباعبدالله^(ع) است. بهزاد دانشگر و محمدعلی جعفری، همراه با مترجمان عربی و انگلیسی در سفر زیارت اربعین عازم نجف و کربلا شده‌اند. آن‌ها در این سفر سراغ نسبت افراد با هم رفته‌اند و حرف‌ها و خاطراتشان از این زیارت و شیوه پیوند خوردنشان با اباعبدالله^(ع) را پارس‌وجو کرده‌اند. این کتاب مبتنی بر مستندنگاری بوده و همین موضوع سبب شده است تا خواننده در بخش‌هایی به تفکر واداشته شود و در بخش‌هایی عواطفش درگیر شود.

در بخشی از کتاب آمده است: «هر مسافر قصه‌ای داشت و گاه رازی یا اراتنی. آغاز قصه مسافر‌ها با هم متفاوت بود. گاه از ایران بود، گاه عراق، از شهرهای کوچک و بزرگ، از شرق و غرب عالم... ولی پایان همه قصه‌ها به یک جاتخم می‌شد؛ به سرزمینی در کرانه فرات و بیادکاری که از دل بهشت بر این سرزمین باقی مانده؛ به کربلا...»



نام نویسنده: بهزاد دانشگر

و محمد علی جعفری

نشر: عهد ما نا

تعداد صفحات: ۳۱۲ صفحه

قیمت: ۱۱۷۰۰۰ تومان

● سر بر خاک دهکده

کتاب «سر بر خاک دهکده» روایت سفر یک بانوی نویسنده با چهار محافظ قدبلندش از پیاده‌روی اربعین است. زنی که روزی به دهکده خاک بر سر سفر کرده حالا به دهکده‌ای سفر می‌کند که دوست دارد سر بر خاکش بگذارد. دهکده‌ای که شهردارش همان علمدار کربلاست. در بخشی از این کتاب آمده است: «مگر یک شهر چقدر ظرفیت دارد؟ نکند این سیل جمعیت که لابد از صبح همین شکلی بوده، از این طرف شهر وارد می‌شود و به همین حالت از آن طرف شهر خارج می‌شود؟ شاید هم این چند روز شهر گشاد می‌شود و جابجا می‌کند، بعید هم نیست! شاید این ایام، امام حسین^(ع) کربلارامی سپارد به علمدارش. شهردار که او باشد، دیگر همه چیز ممکن است. شهر اندازه یک کشور، کش می‌آید و بعد که همه را بغل کرد، فشارشان می‌دهد. آن قدر به هم نزدیکشان می‌کند که دل‌هایشان به هم گیر کند. اخبار و احوالشان درهم‌گرفته بخورد. از غریبگی مسافت‌های دور و دراز در بیابند و مثل مردم یک دهکده به هم نزدیک شوند. دهکده‌ای که انگار زادگاهشان بوده و خانه پدری را هنوز هم دلشان نیامده بفروشند و هر سال اربعین میعاد گاهی است که همه رفته‌ها و هویت گم کرده‌ها برمی‌گردند به وطنشان، به هویتشان، به خاکشان. خاکی که برایشان مقدس است.»



نام نویسنده: فائضه غفار حدادی

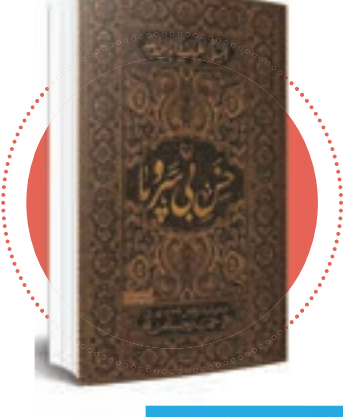
نشر: شهید کاظمی

تعداد صفحات: ۱۶۸ صفحه

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

● خس بی سروپا

کتاب «خس بی سروپا» که به بیان شور و حال مردم برای شرکت در اربعین حسینی پرداخته، برگرفته از غزلی است که علامه محمد حسین طباطبایی در سال ۱۳۶۳ سروده است و شاه‌بیت آن این است: «من خس بی سروپایم که به سیل افتادم / او که می‌رفت مرا هم به دل دریا برد». در بخشی از این سفرنامه معنوی که به قلم حمید حسام است، آمده است: «کنار موکب، دقایقی درنگ می‌کنم و گویی ترو هنگام سوار شدن به اتوبوس، صاحب موکب برگه‌ای را بایک خرما به من می‌دهد که روی برگه این حدیث نوشته شده است: «قال الصادق^(ع): لو قتل اهل الارض به الحسين ما كان اسرافا» یعنی اگر تمام اهل زمان به خاطر امام حسین^(ع) کشته شوند، اسراف نیست! سوار اتوبوس می‌شوم و در دفترم می‌نویسم: اینجا هیچ کس مالک هیچ چیز نیست. اینجا همان ارمان شهری است که در هیاهوی عصر مدرنیسم، غریب و ناشناخته مانده است. دین در اینجا دکان دنیاخواهی نیست. مردم این سرزمین فریاد علی^(ع) را از اعماق تاریخ شنیده‌اند. دین را، چون بوستین وارونه نبوشیده‌اند. ریا و تملق را کشته‌اند، مال و جان را برای معامله با خدا می‌خواهند. برایشان عروس هزار رنگ دنیا، نقاب از صورت کنار زده است و سیمای حقیقی این عجز و سست نهاد را می‌بینند. با حسین زندگی می‌کنند و با شوق دیدار او راه می‌روند.»



نام نویسنده: حمید حسام

نشر: سوره مهر

تعداد صفحات: ۱۶۸ صفحه

قیمت: ۳۱۵۰۰ تومان

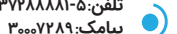
پرسش از شما، پاسخ از ما



همراهان گرامی می‌توانید پرسش‌های خود با موضوع پزشکی، روان‌شناسی و شخصیت‌شناسی را به روش‌های زیر با ما در میان بگذارید و در کوتاه‌ترین زمان ممکن پاسخ آن‌ها را در همین صفحه مشاهده کنید.



تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱ داخلی ۲۲۸
پیام‌رسان: ۰۹۵۴۴۵۸۰۶



پیامک: ۰۲۲۸۹۷۲۰۰۰

میهمان داری مَشتی

پیشنهادهایی برای میزبانی از زائران امام رضا^(ع)

معصومه متین‌نژاد | بر اساس یک رسم دیرینه به دهه پایانی صفر که نزدیک می‌شویم، مشهد میزبان جمعیت میلیونی عاشقانی می‌شود که این شهر را کعبه آمال خود قرار داده‌و سواره و پیاده کیلومترها طی طریق کرده‌اند تا خود را برای شهادت امام رضا^(ع) به این شهر برسانند. جایی که مامجاوران حضرت هم همه تلاششان این است سهم خودمان را در پذیرایی از زائرانش به تمامی بپردازیم. رسم میزبانی که اگر بگوییم از برادران عراقی‌مان یاد گرفته‌ایم، پر بیراه نگفته‌ایم. رسمی پسندیده است که در این سال‌ها مسئولیت ما، مجاوران حضرت را دوچندان هم کرده است. برای همین امروز می‌خواهیم در آستانه اربعین حسینی که جاماندگان کربلا، خیلی زودتر از موعد مقرر قدم در راه این خانه گذاشته‌اند، یک بار دیگر وظایفمان را در جایگاه میزبانی باهم مرور کنیم.

زائران پیاده را در باییم

بخش چشمگیری از زائران پیاده‌ای که به شهرمان می‌آیند از روستاها و شهرهای اطراف هستند که مشهد حکم حج را برایشان دارد. اگر می‌خواهیم یک حال اساسی به این زائران بدهیم، بد نیست با تهیه هدیه‌هایی فرهنگی مانند پیراهن یا روسری که نوشته یا طرحی ویژه روی آن دارد یا کتاب‌هایی که با هدف معرفت‌زایی منتشر شده‌اند و امثال آن یک سفر خاطره‌انگیز را برایشان رقم بزنیم. یادمان باشد، بچه‌هایش از بزرگ‌ترها در یافت چنین هدیه‌هایی خوشحال می‌شوند. از آنجایی که هزینه تهیه این محصولات سنگین است، فقط باید مشارکتی عمل کرد.

گروهی فعالیت کنیم

نذری دادن و پذیرایی کردن از میهمان امام رضا^(ع) رفتار بسیار شایسته‌ای است، ولی بد نیست که این خرده فعالیت‌ها را متمرکز کنیم تا اثر بخشی بیشتری داشته باشند، برای نمونه می‌توانیم نذری که داریم به زنیه‌ای را که برای این منظور در نظر گرفته‌ایم، به یکی از هیئت‌ها، مساجد یا ایستگاه‌های پذیرایی از زائر بسیاریم یا باهماهنگی آن‌ها برای تهیه کالا یا ماده غذایی اقدام کنیم. همچنین می‌توانیم با نیازسنجی از این پایگاه‌ها بانی خیر شویم و با گروهی از دوستان، بستگان یا همسایه‌ها، غذا، دسر یا نوشیدنی آماده کنیم و به آن‌ها بسیاریم.

اشتباه راهنمایی نکنیم

این عادت بدی است که برخی از ما نمی‌توانیم به دیگران جواب منفی بدهیم، منظور این است که اگر درباره چیزی اطلاع نداریم، واضح بگوییم؛ نمی‌دانم، این اشتباه گاه دیگران را به دردسرهای زیادی می‌اندازد، درست مانند نشانی دادن یا راهنمایی کردن دیگران برای خرید، سوار شدن به اتوبوس یا پیدا کردن یک فروشگاه. بد نیست، افزون بر نقشه‌خوانی، اطلاعاتی درباره نرم‌افزارهای راهنما هم کسب کنیم، ساکن بودن در شهری مانند مشهد ما را همیشه نیازمند چنین دانستی‌هایی می‌کند. همچنین می‌توانیم گاهی چند لحظه‌ای از وقتمان را به زائران اختصاص بدهیم و آن‌ها را تا مسیری همراهی کنیم، چون هیچ کس به اندازه افراد محلی و بومی از میان‌برها و مسیرهای فرعی اطلاع ندارد.

سهمان را بپردازیم

مشارکت در فعالیت‌های خودجوشی که در سطح شهرمان راه افتاده، عالی است، شاید بهترین شکل خدمت‌رسانی به زائران هم همین نوع فعالیت‌ها باشد، چون متمرکز هستند و در آن‌ها بیشتر نیازسنجی شده است. با همه این‌ها نباید منتظر بمانیم تا به ما کاری سپرده شود. کافی است هر جایی که هستیم و هر فعالیتی که داریم بخشی از آن ظرفیت را به زائران اختصاص بدهیم، برای نمونه اگر راننده هستیم، چند ساعتی زائران را رایگان جابه‌جا کنیم یا اگر دست‌به‌آچار و فنی هستیم در تعمیر وسایلی مانند ویلچر، کالسکه بچه و خودرو پیش قدم شویم.

میهمان را مقدم بدانیم

اگر نگوییم ۳۶۵ روز، ۳۰۰ روز خالص سال را ما فرصت زیارت رفتن داریم، منظور این نیست که این روزها به زیارت نرویم، بلکه باید حواسمان باشد، ماندگاری کمتری در حرم داشته باشیم تا فرصت زیارت برای زائران آقا بیشتر فراهم شود.

اگر داخل حرم یا مسیرهای منتهی به حرم هستیم یادمان باشد، برای هر کاری مانند استفاده کردن از وسایل حمل و نقل عمومی، نشستن در فضای بوستان‌ها یا در یافت پذیرایی و نذری اولویت با زائران است.

به فکر اسکانشان باشیم

اسکان از دغدغه‌های مهم زائران حتی پیش از ورودشان به مشهد است. اینکه بخواهیم در آپارتمان‌های هفتادمتری پذیرای زائران حضرت باشیم، آن هم در حالی که خودمان در آن ساکن هستیم، کمی سخت و غیرممکن است، ولی می‌توان با کمی برنامه‌ریزی و هماهنگی با مشاوران املاک، همسایه‌ها، مسجد محل و پایگاه‌های خدمت‌رسانی به زائران، خانه یا طبقه‌ای مجزا را برای این منظور در نظر گرفت و تجهیز کرد. بهتر است محلی که برای اسکان زائران در نظر می‌گیریم خیلی از حرم منظر فاصله نداشته باشد، همچنین مالکان هتل‌ها، زائر سراها، هتل آپارتمان‌ها و خانه‌های اجاره‌ای هم می‌توانند به حرمت زائران و عزاداران حضرت رضا^(ع) تخفیف ویژه‌ای در خدماتشان بدهند.

به احترام آقا سکوت کنیم

نمی‌گوییم بحث و نزاع، رفتاری طبیعی و معمولی است ولی از آن پیشامدهایی است که زیاد اتفاق می‌افتد، گرمای هوا، ترافیک زیاد، گرسنگی و خستگی بهانه‌هایی هستند که یک باره خون‌رسانی به مغز را ضعیف می‌کنند و آنچه نباید اتفاق می‌افتد، این مسئله ربطی به حق داشتن و نداشتن ندارد. منظور این است که نباید اگر چنین برخوردی را از یک غیرشهروند دیدیم، طلبکارانه با او برخورد کنیم: «خیلی روداره، از به جای دیگه پا شده اومده و زبونشم درازه! اتفاقا فرهنگ میهمان‌نوازی ما چیز دیگری می‌گوید: «وقتی کسی روی فرشتان نشست، احترامش را به تمام نگه دارید»، همه شهر مشهد حکم فرش امام رضا^(ع) را دارد و باید به احترام آقا، هرگونه رفتار ناشایست یا حتی بی‌ادبانه‌ای را نادیده گرفت.

دولا پهنا حساب نکنیم

می‌دانیم گفتن ندارد، ولی حواسمان باشد، کسی که در این روزها مشهد مقدس را برای سفر انتخاب کرده است، تور نیست، میهمان آقا امام رضا^(ع) است. حتی اگر سهمی در هیئت‌ها و ایستگاه‌های استقبال از زائر نداریم و به این عزیزان برمی‌خوریم، حالا در نقشی که هستیم، راننده، فروشنده، صاحب‌خانه و... دولا پهنا با آن‌ها حساب کتاب نکنیم.

به معرفت خودمان بیفزاییم

قصه، قصه زائرهای امام رضا^(ع) است. شاید صحبت کردن درباره خودمان کمی دور از اصل مطلب باشد، ولی تازمانی که خودمان نتوانیم به آن اندازه از معرفت لازم در این زمینه برسیم، نمی‌توانیم میزبانان خوبی برای زائران امام رضا^(ع) باشیم، همچنین حق مجاوری را به درستی به جا آوریم. کتاب‌ها و منابع صوتی زیادی در این باره منتشر شده است که حکم کلاس درس را دارند. تصور کنید مادری در حرم مشغول نماز است و فرزند خودش ناآرامی می‌کند، اگر غر نزنیم و این مادر را سرزنش نکنیم، دست کم انتظار داریم که به عبادتش پایان بدهد و به فرزندش رسیدگی کند، چون آرامش و خلوت‌مان را به هم زده است. در حالی که می‌توانیم به همان اندازه که برای خودمان حق قائل هستیم، به این مادر هم حق بدهیم و چند لحظه‌ای به او برای آرام کردن فرزندش کمک کنیم. کاری که در سیره رفتاری آدم‌های بزرگ امثال آن را ز یاد می‌بینیم.